

سخنرانی حضرت زینب(س) در کوچه‌های کوفه

۴ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۲۲

زینب کبری (س) پس از ورود به کوفه خطاب به مردم کوچه و بازار می‌گفت که ای مردمان حيله گر، چه بد توشه‌ای برای آخرت فرستاده‌اید، توشه‌ای که همان خشم خدا است، شما این جنایت فجیع را بی پرده و آشکار به انجام رساندید، جنایتی که وسعت آسمان و زمین را پر کرده است!

روز دوازدهم محرم سال ۶۱ هجری کاروان اسیران کربلا شامل زنان و کودکان اهل بیت امام حسین (ع) وارد شهر کوفه شدند. سرپرستی این کاروان با امام سجاد (ع) فرزند امام حسین (ع) و حضرت زینب (س)، خواهر امام بود.

این دو بزرگوار با وجود سختی‌ها و ناملایمات فراوان که از سپاه یزید در این مدت دیده بودند در کوفه با شجاعت و صراحت، ستم‌ها و جنایات حکومت اموی را افشا کردند و شهر به شهر به خاطر یاری نکردن امام همه را سرزنش کردند.

امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) در مدت اقامت در کوفه وظیفه و رسالت خود را مبنی بر ابلاغ و نشر پیام امام حسین (ع) به شایستگی انجام داد و خطبه‌های روشنگرانه زیادی با هدف مشخص کردن قیام کربلا خواندند.

نکته ویژه در این روز سخنرانی حضرت زینب و ام کلثوم در کوچه‌های کوفه و سخنرانی ابن زیاد در مسجد کوفه بود.

بشیر بن خزیمه اسدی گوید: زینب دختر علی را در آن روز دیدم، به خدا سوگند زن با حیایی را تا آن روز سخنورتر از او ندیده‌ام. گویا که کلمات را با زبان گویای امیرالمومنین (ع) جاری کرد، حضرت زینب (س) به مردم اشاره کرد که ساکت شوید. ناگهان نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و زنگ شتران از صدا افتاد.

آنگاه فرمود: ستایش از آن خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و نیکوکارش.

اما بعد، ای مردم کوفه، ای مردمان حيله گر و خیانت کار!! گریه می‌کنید؟؟

اشک چشمانتان خشک نشود و ناله‌هایتان آرام نگیرد...

چه بد توشه‌ای برای آخرت فرستاده‌اید؛ توشه‌ای که همان خشم خدا است و در عذاب جاویدان خواهید بود. گریه می‌کنید؟ زار می‌زنید؟ آری به خدا سوگند که باید گریه کنید، پس بسیار بگریید و کمتر بخندید. چرا که دامن خود را به ننگ و عار جنایتی آلوده‌اید که ننگ و پلیدی آن را از دامن خود تا ابد نتوانید شست...

شما این جنایت فجیع را بی‌پرده و آشکار به انجام رسانید؛ جنایتی که سر آغاز جنایات دیگری در تاریخ گشته، سیاه، تاریک و جبران‌ناپذیر بوده، تمام سطح زمین و وسعت آسمان را پر کرده است.

روای گوید: به خدا سوگند در آن روز مردم را دیدم که حیرت زده گریه می‌کردند و گاه دست در دهان گرفته و پشت دست به دندان می‌گزیدند. از آن میان پیرمردی در کنار من ایستاده و می‌گریست، چنانکه محاسن او از اشکش تر شده بود او می‌گفت: پدر و مادرم فدای شما باد!! پیران شما بهترین پیران، جوانان شما بهترین جوانان، زنان شما بهترین زنان و نسل شما بهترین نسل است؛ هرگز خوار نشده پذیرای شکست نمی‌شوید.

*منابع:

زندگانی حضرت زینب از ولادت تا شهادت به قلم علامه قزوینی (ره)

زینب کبری (س) عقیده‌بنی‌هاشم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/31944/سخنرانی-س-زینب-حضرت-کوفه-های-کوچه-س-زینب-حضرت-سخنرانی/31944>